

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

فرع فقهی در تراحم

بعد از اینکه فرق میان تعارض و تراحم روشن شد و همچنین اقسام تراحم را ذکر کردیم، از باب اینکه يك مسئله ي کاربردي را هم مورد بحث قرار بدهیم، مسئله 20 از کتاب الصلاة عروه، بحث قیام را عنوان می‌کنیم. البته اینجا چند مسئله است که تا اندازه‌ای ولو روی بعضی از انظار و اقوال ارتباط به بحث تراحم دارد مانند مسئله 21، 22 و 24 یا ^[1]26. در مسئله 20 مرحوم سید می‌فرماید «إذا قدر على القيام في بعض الركعات دون الجميع». اگر شخص مثلاً در نماز صبح یا قادر بر قیام در رکعت اولی و یا قادر بر قیام در رکعت ثانیه است؛ در نتیجه وقتی قدرت بر قیام در رکعت اولی دارد، باید رکعت دوم را جالساً بخواند و یا وقتی قدرت بر قیام در رکعت دوم دارد، باید رکعت اول را جالساً بخواند.

احتمالات مسئله از حیث قواعد اصولی

باید دید در این مسئله، از نظر فقهی و قواعد اصولی چه راهی را باید طی کنیم؟ آیا می‌توانیم بگوئیم مسئله از باب تراحم است و در نتیجه چون اینها متساوی‌اند – بین قیام در رکعت اولی و قیام در رکعت ثانیه از نظر ملاک فرقی وجود ندارد – روی قاعده‌ی تراحم در متساویین مسئله‌ی تخییر مطرح باشد. یعنی بگوئیم یا باید قیام را در رکعت اولی رعایت کند و یا در رکعت ثانیه چون قدرت بر هر دو ندارد و این دو مساوی‌اند – چون ملاکشان فرق نمی‌کند – پس مخیر بینهما است.

یا اینکه برخی گفته‌اند یکی از مرجحات باب تراحم سَبْقُ الوجود است؛ یعنی اگر زمان امتثال احد التکلیفین مقدم بر دیگری بود، همین سَبْق در وجود از حیث امتثال یکی از مرجحات باب تراحم است. روی این مبنا باید بگوئیم اولاً باید قدرتش صرف در قیام در رکعت اولی کند و وقتی در رکعت ثانیه عاجز شد، باید نماز را جالساً بخواند.

در این مسئله باید دید آیا بحث تراحم مطرح می‌شود یا اینکه مسئله از باب دوران بین تعیین و تخییر است؟ دوران بین تعیین و تخییر یعنی نمی‌دانیم قیام در رکعت اولی برای ما متعیّن است یا مخیر بین قیام در رکعت اولی و رکعت ثانیه هستیم. اگر از حیث اصولی مسئله را از مصادیق باب دوران بین تعیین و تخییر قرار دادیم و در دوران قائل به تعیین شویم یعنی بگوئیم نمی‌دانیم قیام در رکعت اولی برای ما متعیّن است یا ما مخیریم بین قیام در رکعت اولی یا قیام در رکعت ثانیه و مبنای ما این باشد که قائل به تعیین باشیم در نتیجه باز باید این شخص در رکعت اول نماز را قائماً بخواند اما در رکعت ثانیه عاجز از قیام می‌شود پس باید نماز را جالساً بخواند.

پس تا اینجا دو احتمال دادیم. يك احتمال اینکه این مورد از موارد تراحم است، لکن در تراحم یا از حیث ملاک بگوئیم مساوی‌اند

فیتخیر یا بگوئیم سَبَقُ الوجود از مرجحات است - کما اینکه ان شاء الله در بحث مرجحات باب تراحم خواهیم گفت که آیا این از مرجحات هست یا نیست - و از این جهت قیام را در رکعت اولی متعین کنیم. یا از راه دوران بین تعیین و تخییر، قیام در رکعت اولی را متعین کنیم.

احتمال سوم از حیث اصولی این است که از راه اصالة البرائةی عقلی و یا اصالة البرائةی شرعی وارد شویم؛ یعنی بگوئیم قیام برای ما به عنوان يك تکلیف ضمنی یا به عنوان يك وجوب ضمنی واجب است. به عبارت دیگر علم اجمالی داریم یا قیام در رکعت اولی واجب است و یا در رکعت ثانیه اما نسبت به خصوصیت، یعنی کون القیام فی الركعة الاولى یا کون القیام فی الركعة الثانية، بیائیم اصالة البرائة را جاری کنیم و بگوئیم اصل، برائت عن الخصوصية است. وقتی به عقل یا به نقل مراجعه می‌کنیم، می‌گویند در امتثال، در خصوصیت قیام در رکعت اولی و رکعت ثانیه اصالة البرائة جاری می‌شود. وقتی اصالة البرائة جاری شد نتیجه تخییر است یعنی قیام را یا در رکعت اولی و یا در رکعت ثانیه بیاورید.

احتمال چهارم این است که برای مکلف يجب القیام فی الركعة الاولى و يجب القیام فی الركعة الثانية آمده و اطلاق اینها با هم تعارض دارند یعنی بین ما دلّ علی لزوم القیام فی الركعة الاولى و بین ما دلّ علی لزوم القیام فی الركعة الثانية تعارض وجود دارد. اطلاق این دو دلیل می‌گوید ولو اینکه شما قدرت بر قیام در رکعت دیگری نداشته باشید، باید در رکعتی که متعلق امر من است قائماً نماز بخوانید. به بیان دیگر اطلاق دلیلی که می‌گوید در رکعت اول باید قائم باشی کاری به قیام یا عدم قیام رکعت ثانیه ندارد و اطلاق دلیلی که می‌گوید در رکعت ثانیه قائم باش، کاری به قیام یا عدم قیام رکعت اولی ندارد. در اینجا چون مرجحی وجود ندارد و بنابر اینکه اصل اولی در تعارض تخییر باشد، می‌گوئیم مخیریم بین قیام در رکعت اولی و رکعت ثانیه.

احتمال پنجم این است که اینجا را در قاعدهی میسور ببریم و روی این قاعده بگوئیم «المیسور لا یتربک بالمعسور» يك معنایش همین است که آنچه الآن برای ما میسور است به سبب آنچه که بعداً معسور می‌شود نباید ترک بشود. الآن برای شما قیام میسور ولو قیام بعداً معسور می‌شود اما الآن قیام را بیاورید. عرض کردیم طبق این قاعده گاهی اوقات در این نماز قیام را نمی‌توانیم داشته باشیم اما بقیة الاجزاء میسور است می‌گوئیم بقیة الاجزاء را بیاور، این يك مصداق قاعده میسور. يك مصداق قاعده میسور این است که القیام الذي يكون میسوراً فی الركعة الاولى لا یتربک بالقیام الذي يكون معسوراً فی الركعة الثانية این نباید ترک شود.

مجموعاً از حیث اصولی این پنج احتمال به میدان می‌آید. (1) تراحم (2) دوران بین تعیین و تخییر (3) اصالة البرائة (4) تعارض (5) قاعدهی میسور. استصحاب عدم خصوصیت هم در اینجا به اصالة البرائة بر می‌گردد. احتمال عقل هم اولاً به اصالة البرائة بر می‌گردد و ثانیاً یکی از ادله قاعده میسور عقل است. فعلاً همین پنج احتمال را بررسی می‌کنیم و باید ببینیم کدام يك از اینها درست است که این را اجمالاً می‌خواهیم متعرض شویم.

بررسی قواعد اصولی (قاعده میسور)

مرحوم آقای حکیم بر قاعدهی میسور اینطور اشکال می‌کند که طبق قاعده میسور نتیجه باید تخییر باشد. برای اینکه میسور می‌گوید این آدم إما القیام فی الركعة الاولى و إما القیام فی الركعة الثانية است. یا در رکعت اولی بایستد و بقیة نماز را نشسته بخواند یا بالعکس. میسور یکی از این دو تاست. مرحوم حکیم این اشکال را روی برداشت معروف از قاعده میسور کردند که می‌گوئیم اگر يك جزئی یا اجزایی در مرکبی میسور شد، به سبب اینکه بقیة الاجزاء معسور شده، ترک نمی‌شود. ولی ما بیانی دیگری برای قاعدهی میسور مطرح کردیم که اگر جزئی میسور ما شد به سبب اینکه همین جزء در قسمت دیگر معسور می‌شود لا یتربک.

جواب کلام مرحوم آقای حکیم این است که بگوئیم بیان شما برای قاعده‌ی میسور درست نیست. یعنی بگوئیم بیانی که شما برای قاعده‌ی میسور می‌کنید و با این بیان می‌خواهید بگوئید رکعت اولی تعیین پیدا می‌کند صحیح نیست. اصلاً قاعده میسور همیشه یک جزء نسبت به جزء دیگر است. یک شرط نسبت به شرط دیگر است. می‌گوئیم حالا اگر کسی در نماز از ده جزئی که دارد پنج جزء را قدرت ندارد، قاعده میسور می‌گوید پنج جزء دیگر را بیاورد. ولی قاعده میسور نمی‌گوید اگر این جزء الآن میسور است و بعد معسور چنانچه بخواند عکس بشود با قاعده‌ی میسور مخالف است. قاعده‌ی میسور ربطی به ما نحن فیه ندارد و در نتیجه باید بگوئیم قاعده‌ی میسور اجنبیه‌ی عما نحن فیه. قاعده میسور در جایی است که ما یک جزئی را نسبت به جزء دیگر، یک شرطی را نسبت به شرایط دیگر حساب می‌کنیم. اما اینجا یک شرط است یعنی قیام. این قیام یا باید در رکعت اولی رعایت شود یا در رکعت ثانیه. لذا قاعده‌ی میسور یا انصرافاً یا به سبب قرائن دیگر به طور کلی باید کنار برود.

قاعده میسور مثلاً در نسبت بین قرائت یا استقبال قبله و قیام مطرح می‌شود؛ در حالیکه قیام دو دلیل ندارد چون قیام یا میسور است مطلقاً، یا میسور است در بعض اجزاء، یا مطلقاً معسور است. اینکه بگوئیم به سبب قیامی که در رکعت دوم معسور است، همان بیانی که اول ذکر کردیم و غیر از این هم چاره‌ای نیست. قیامی که در رکعت اولی میسور است ساقط نمی‌شود، مبتنی بر این است که قاعده‌ی میسور را در یک شرط واحد یا در یک جزء واحد، منتهی نسبت به دو زمان جاری کنیم در حالی که جریان ندارد. قاعده‌ی میسور در مرکبی است که بعضی از اجزاء معسور باشد. ضمن اینکه جریان قاعده میسور در شرایط محل اختلاف است، اما نسبت به اجزاء می‌گویند این جزء اگر معسور شد موجب سقوط وجوب بقیه الاجزاء نمی‌شود.

سید در متن عروه می‌گوید «إذا قدر على القيام في بعض الركعات دون الجميع، وجب أن يقوم» در رکعت اولی بایستد «إلى أن يتجدد العجز» بعد در رکعت دوم که عجز حاصل شد نماز را نشسته بخواند. «و كذا إذا تمكن منه في بعض الركعة» یک کسی می‌گوید من تا اثناء سوره‌ی حمد می‌توانم ایستاده نماز بخوانم یا تا آنجا نشسته بخوانم و بقیه‌اش را ایستاده بخوانم «و كذا إذا تمكن منه في بعض الركعة لا في تمامها».

بعد مرحوم سید استدراکی دارد «نعم لو علم من حاله» اگر این شخص بداند که حالش طوری است که «لو قام أول الصلاة لم يدرك من الصلاة قائماً إلا ركعة أو بعضها و إذا جلس أولاً يقدر على الركعتين قائماً أو أزيد». فرضی که می‌کند این است که در نماز سه رکعتی، رکعت اولی را ایستاده بخواند، دو رکعت نشسته. یا رکعت اولی را نشسته بخواند، رکعت دوم و سوم را ایستاده. اینجا سید می‌گوید «لا یبعد وجوب تقديم الجلوس» بعید نیست که باید جلوس را مقدم کند. یعنی رکعت اولی را بنشیند، رکعت دوم و سوم را ایستاده بخواند. «لكن لا يترك الاحتياط حينئذ بتكرار الصلاة»^[2].

مرحوم آقای حکیم می‌گوید «أن المرجع قاعدة الميسور» و بعد می‌فرماید «و الظاهر أن الميسور يحصل بالقيام ثم الجلوس، و بالجلوس أولاً ثم القيام». میسور به هر دو است یا اول را بایستد دوم را بنشیند یا اول را بنشیند دوم را بایستد «و لا ترجيح لأحد الفردين على الآخر بالنظر الى نفس الميسور، و لكن الظاهر من العقلاء ترجيح التطبيق الأول على الثاني». می‌گوید عقلاً در چنین مواردی اولی را بر دومی ترجیح می‌دهند یعنی اینکه اول بایستد و بعد بنشیند^[3].

اینکه آقای حکیم می‌گویند المرجع قاعدة الميسور حرف درستی نیست. اولاً گفتیم پنج احتمال از حیث اصولی اینجا وجود دارد و ثانیاً روایاتی اینجا وجود دارد که باید اشاره‌ای کنیم. از حیث قاعده‌ی میسور اگر قاعده‌ی میسور را اینطور بتوانیم بیان کنیم و بگوئیم هر چیزی که میسور است به سبب اینکه جزء دیگر یا خود او، بعداً معسور بشود لا یتربک. اگر کسی بگوید قاعده‌ی میسور اطلاق دارد یعنی الميسور لا یتربک بالمعسور سواءً که آن معسور جزء دیگر و شرط دیگر باشد یا سواءً که آن معسور خود همین جزء در قسمت دیگری از نماز باشد، کلام آقای حکیم درست می‌شود و قاعده‌ی میسور جریان پیدا می‌کند اما نتیجه‌اش تخییر است نه تعیین قیام. اما اشکال ما این است که اساساً قاعده‌ی میسور چنین اطلاقی ندارد. قاعده‌ی میسور می‌گوید اگر در مرکبی

بعضی از اجزاء متعذر شد، تعذر بعضی از اجزاء موجب سقوط وجوب اجزاء دیگر نمی‌شود. کاری به یک شرط در دو قسمت یا یک جزء در دو قسمت ندارد.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1] العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج 1، ص: 639.

[2] العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج 1، ص: 639: إذا قدر على القيام في بعض الركعات دون الجميع وجب أن يقوم إلى أن يتجدد العجز و كذا إذا تمكن منه في بعض الركعة لا في تمامها نعم لو علم من حاله أنه لو قام أول الصلاة لم يدرك من الصلاة قائما إلا ركعة أو بعضها و إذا جلس أولا يقدر على الركعتين قائما أو أزيد مثلا لا يبعد وجوب تقديم الجلوس لكن لا يترك الاحتياط حينئذ بتكرار الصلاة...

[3] مستمسك العروة الوثقى، ج 6، ص: 136 و 137: قد عرفت في المسألة السابعة عشرة أن المرجع: قاعدة الميسور و الظاهر أن الميسور يحصل بالقيام ثم الجلوس، و بالجلوس أولا ثم القيام، و لا ترجيح لأحد الفردين على الآخر بالنظر الى نفس الميسور، و لكن الظاهر من العقلاء ترجيح التطبيق الأول على الثاني...